

علائم سجاوندی در متن اصلی و سنت تألیف متن در فارسی

سمیه دل‌زنده‌روی
دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

در گذشته کاربرد علائم سجاوندی در تألیفات فارسی رسم نبوده ولی در سالهای اخیر برخی ادبا برای کاربرد این علائم در زبان فارسی پیشنهادهایی داده‌اند. این پیشنهادها اساساً مربوط به متون تألیفی است و لزوماً شامل نثر ترجمه‌ای نمی‌شود چون نثر ترجمه‌ای خواه‌ناخواه از متن اصلی تأثیر می‌پذیرد یا، حداقل به لحاظ ضرورت ایجاد برابری سبکی، باید تأثیر بپذیرد. پرسشی که در این مقاله پرسیده‌ایم این است که مترجمان فارسی که خود نویسنده نیز هستند با علائم سجاوندی متن اصلی چگونه کنار می‌آیند. آیا این نشانه‌ها را به مثابه علائم متنی جهانی و فارغ از زبانی خاص مو به مو به فارسی برمی‌گردانند یا این که الگوی کاربرد آنها را تغییر می‌دهند. برای این مقصود دو ترجمه ادبی و غیرادبی از دو مترجم سرشناس دریابندری، بازمانده روز، و فولادوند، آزادی و خیانت به آزادی، را انتخاب کرده‌ایم. بررسی کمی کار آنها نشان می‌دهد که این دو مترجم مو به مو از الگوی سجاوندی متن اصلی پیروی نکرده‌اند. نگارنده در پایان فرضیه‌ای ارائه می‌کند تا دلیل عدم پیروی مترجمان از الگوی سجاوندی متن اصلی را توضیح بدهد.

سابقه به کارگیری علائم سجاوندی در متون تألیفی فارسی، به بیش از دو‌یست سال نمی‌رسد. بنا به نظر سمیعی گیلانی (۱۳۷۲: ۸۵)، «در کتابت سنتی ما کاربرد علائم سجاوندی رسم نبوده است» و این رسم با ترجمه آثار اروپایی به زبان فارسی

وارد تألیفات فارسی شده است (نیز ر.ک. یا حقی و ناصح: ۱۳۷۲: ۶۳). سمیعی گیلانی دو نقش عمده برای علائم سجاوندی تعریف می‌کند: (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۷: ۸۵):

۱. جبران بازتاب نیافتن آهنگ گفتار

۲. نشان دادن ساخت جمله، پیوند اجزای جمله، استقلال جمله و ارتباط

جملات باهم

وی پیشنهاد می‌کند «هرجا چنین نقش‌هایی در کار نباشد» از به‌کاربردن علائم سجاوندی خودداری کنیم. به‌طور کلی سمیعی گیلانی افراط و تفریط را در کاربرد نشانه سجاوندی نمی‌پذیرد و نظر به «امساک» در استفاده از علائم سجاوندی دارد؛ بدین معنی که تا ضرورت ایجاب نکند نباید از آنها استفاده کرد. از سخنان سمیعی گیلانی چنین برمی‌آید که اولاً علائم سجاوندی تعریف و کاربردهای معینی دارند، یعنی نمی‌توان آنها را در جایی به کار برد (یا نقشی برای آنها تعریف کرد) که قبلاً تعریف نشده باشد. دوماً متن را باید طوری ساماندهی کرد که نیاز نباشد بیش از حد از علائم سجاوندی استفاده کنیم. به عبارت دیگر، تا آنجا که به کاربرد علائم سجاوندی مربوط می‌شود، نویسنده ممکن است دو نوع خطا مرتکب شود: علائم سجاوندی را خارج از تعاریف قراردادیشان به کار ببرد و یا علائم سجاوندی را بیش از حد به کار ببرد.

آنچه گفته شد در مورد متون تألیفی بود. بدیهی است متن ترجمه‌شده با متن تألیفی از این حیث تفاوت دارد. درست است که هم متن تألیفی و هم متن ترجمه هر دو متن هستند و باز درست است که علائم سجاوندی کارکردشان عمدتاً روشن کردن مفهوم جمله و رفع ابهام (بخصوص در متون توضیحی) و نیز نشان دادن ویژگی سبکی و فردی نویسنده (بخصوص در متون ادبی یعنی متونی که در آنها وابستگی فرم و معنا بیشتر است) است، ولی به سه دلیل عمده می‌توان گفت که در خلال ترجمه، علائم سجاوندی به‌سادگی و به تمامی از متن اصلی به متن ترجمه منتقل نمی‌شوند. این سه دلیل عبارت است از:

۱. ادبا و فضیلاى يك زبان شايد علائم سجاوندی را مثل علايم رانندگی به عنوان علائم متنى جهانی نپذیرند و بخواهند به دلایل مختلف کارکرد آنها را از آنچه در زبانهای غربی تعریف شده محدودتر یا گسترده‌تر کنند. در این مورد آنچه اولویت دارد الگوی کاربرد علائم سجاوندی در متن اصلی نیست بلکه سنت استفاده از علائم سجاوندی در فرهنگ مقصد است.

۲. علايم سجاوندی علاوه بر کارکرد معنایی، يك کارکرد نحوی نیز دارند و آن این است که رابطه میان اجزای درون جمله یا رابطه میان دو جمله را تنظیم و تعریف می‌کنند. اگر در جریان ترجمه، ساختار نحوی جمله نویسنده عیناً منتقل شود در این صورت احتمال این که الگوی سجاوندی متن اصلی در ترجمه تغییر کند بسیار کمتر است، نظیر آنچه در ترجمه‌های تحت اللفظی می‌بینیم. برعکس، اگر ساختار نحوی جمله نویسنده در خلال ترجمه با تغییراتی منتقل شود در این صورت احتمال این که الگوی سجاوندی متن اصلی در ترجمه تغییر کند بسیار بیشتر است؛ نظیر آنچه در ترجمه‌های خلاق می‌بینیم.

۳. در برخی متون، به ویژه متون ادبی، علائم سجاوندی کارکردی سبکی پیدا می‌کنند، یعنی جزئی از معنی متن بحساب می‌آیند. در این موارد مترجم نمی‌تواند چشم خود را به کلی بر نحوه کارکرد علائم سجاوندی در متن اصلی ببندد بلکه برای احیای آن جزء از معنی متن که از طریق این نشانه‌ها منتقل می‌شود لازم است نشانه‌ها را تا حد امکان به متن مقصد منتقل کند. برای مثال در ترجمه پاراگراف زیر، برگرفته شده از کتاب **به سوی فانوس دریایی** اثر ویرجینیا وولف، تقلیل علائم سجاوندی مستلزم ساده‌ترکردن متن و برهم‌زدن ترتیب اجزای متن است و این کار ممکن است به مخدوش کردن سبک نویسنده منجر شود:

There was in Lily a thread of something; a flare of something; something of her own which Mrs. Ramsay liked very much indeed; but no man would; she feared. Obviously, not, unless it were a much older man, like William Bankes. But then he cared; well; Mrs. Ramsay sometimes thought that he cared; since his wife's death, perhaps for her.

با توجه به تفاوت میان متن تألیفی و متن ترجمه‌شده از حیث کاربرد علائم سجاوندی، در این مقاله بر آن شدیم ببینیم در ترجمه چه تغییراتی در علائم سجاوندی اتفاق می‌افتد. البته تحقیق ما محدود به دو ترجمه است، یکی متنی ادبی دارد و دیگری متنی توضیحی؛ لذا یافته‌های این تحقیق لزوماً قابل تعمیم نیست، بلکه صرفاً تصویری از کار دو مترجم به دست می‌دهد. بدیهی است برای یافتن الگوی ترجمه علائم سجاوندی در فارسی لازم است این تحقیق را در سطح گسترده‌تری انجام داد. اما امتیاز این تحقیق این است که اولاً کمی است، یعنی میزان کاربرد علائم سجاوندی توسط نویسنده و مترجم را با عدد و رقم نشان می‌دهد. ثانیاً، دو مترجمی که انتخاب شده‌اند مترجمانی هستند که در زبان فارسی صاحب تألیفند و صاحب نظر و بدیهی است که بیش از آن که کورکورانه تحت تأثیر متن اصلی باشند به سنت تألیف فارسی نظر داشته‌اند.

لازم به ذکر است که در این مطالعه ویرگول به دلیل کاربرد عام‌تر آن در فارسی بررسی نشده و تنها علائم نقطه (به معنی پایان جمله)، نقطه ویرگول، خط تیره و دو نقطه بررسی شده‌اند. همچنین، چنان که می‌دانیم، علامت دو نقطه دو کاربرد عمده دارد: یکی نشانگر نقل قول مستقیم است و دیگری برای توضیح، نشان دادن و خلاصه کردن آنچه قبلاً ذکر شده است یا برای نشان دادن بدل، یا اشاره به مجموعه‌ای از موارد، به کار می‌رود. در این تحقیق فقط کاربرد دوم علامت دو نقطه مورد نظر ما بوده است.

ابتدا به بررسی کتاب آزادی و خیانت به آزادی می‌پردازیم. در متن اصلی این کتاب تعداد علائم سجاوندی (بدون در نظر گرفتن مقدمه ویراستار و پیش‌گفتار) به شرح جدول زیر است.

عنوان کتاب	نقطه	نقطه ویرگول	خط تیره	دو نقطه
Freedom and Its Betrayal	۱۹۸۴	۳۴۹	۳۸۹	۹۰
آزادی و خیانت به آزادی	۱۹۴۲	۲۴۸	۲۳۸	۲۳

چنان که در جدول آمده است: اولاً، تمام علائم سجاوندی به میزان کمتری نسبت به متن اصلی در ترجمه فارسی به کار رفته است. دوماً، تعداد نقطه‌ها که بیانگر تعداد جملات بکار رفته در متن است، نشان می‌دهد که مترجم در متن فارسی تعداد جملات کمتری بکار برده است، یعنی در مواردی دو جمله یا چند جمله در متن اصلی را در قالب یک جمله در فارسی بیان کرده است. سوماً، نقطه‌ویرگول که در متون تألیفی فارسی کمتر به کار می‌رود، در این ترجمه نیز کمتر به کار رفته و با ویرگول، نقطه و کلمات ربط جایگزین شده است.

به چند نمونه از این موارد توجه کنید:

Newton, for example, was a thinker of this type. He answered questions which had puzzled many men before; he answered them with simplicity, with lucidity, and provided an answer of immense power and coherence (Berlin, 2014: 4).

نیوتون، به عنوان نمونه، متفکری از این نوع بود، زیرا به پرسش‌هایی که بسیاری از افراد را به حیرت افکنده بود، پاسخ داد، پاسخی ساده و روشن و بینهایت قوی و منسجم (فولادوند، ۱۳۸۶:۵۴)

در مثال بالا، دو جمله به یک جمله تبدیل شده که با ویرگول به هم وصل شده‌اند. آوردن «زیرا» در واقع جایگزینی برای نقطه است. نقطه‌ویرگول نیز به ویرگول تبدیل شده است.

Helvétius died in 1771 and Hegel in 1831; the period concerned is therefore not very much more than half a century (Berlin, 2014:1)

هلوسیوس در ۱۷۷۱ درگذشت و هگل در ۱۸۳۱، و، بنابراین، دوره موردنظر چندان درازتر از نیم قرن نیست (فولادوند، ۱۳۸۶:۵۰).

در مثال فوق، مترجم بجای نقطه ویرگول از ویرگول استفاده کرده است. به عبارت دیگر، معنای علامت نقطه ویرگول را با کلمه «بنابراین» بیان کرده است.

Although they all discussed the problem of human liberty, and all, except perhaps Maistre, claimed that they were in favour of it – indeed some of them passionately pleaded for it and regarded themselves as the truest champions of what they called true liberty, as opposed to various specious or imperfect brands of it – yet it is a peculiar fact that in the end their doctrines are inimical to what is normally meant, at any rate, by individual liberty, or political liberty (Berlin, 2014: 5).

... و آن اینکه همگی برای آزادی بشر بحث می‌کردند، و همه، شاید به استثنای دومستر، مدعی بودند که با آن موافقند، و بعضی حتی به دفاع پرشور از آن برمی‌خاستند و خود را حقیقی‌ترین و پرچمدارترین موافقان چیزی می‌دانستند که آن را آزادی راستین (به تفکیک از انواع ظاهر فریب و ناقص آزادی) می‌نامیدند. ولی شگفت اینکه نظریاتشان نهایتاً ضد آنچه معمولاً آزادی فردی یا آزادی سیاسی خوانده می‌شود از کار درمی‌آمد... (فولادوند، ۱۳۸۶: ۵۷).

در مثال بالا، مترجم خط تیره را حذف و به جای آن در مورد اول، حرف ربط «و» را به کار برده‌اند که با ویرگول از جمله قبل جدا شده است. در مورد دوم خط تیره به نقطه تبدیل شده است.

در ترجمه دونقطه، مترجم کمتر از یک سوم موارد را به صورت دونقطه در فارسی حفظ کرده و بعد از آن بیشتر (در بیست مورد) از ویرگول یا به تنهایی یا به همراه (و، زیرا، یعنی، مانند، به عبارت دیگر، بلکه، چنانکه، بدین معنا که) استفاده کرده است. مترجم در ۱۴ مورد نیز از نقطه استفاده کرده است. در هفت مورد از حرف ربط «و» و در پنج مورد نیز دونقطه را حذف کرده است. به نمونه هایی از ترجمه دونقطه توجه کنید:

The 'physiocratic' philosophers, who were the leading economists of the eighteenth century, similarly say: Legislation is not the making of laws... (Berlin, 2014: 15).

فیلسوفان فیزیوکرات نیز که برجسته‌ترین اقتصاددانان سده هجدهم بودند به همین وجه می‌گفتند که قانون گذاشتن به معنای قانون ساختن نیست... (فولادوند، ۱۳۸۶: ۷۴).

legislation is the translation into legal terms of something which is to be found in nature: ends, purposes (Berlin, 2014: 15).

قانونگذاری یعنی بردن آنچه در طبیعت یافت می‌شود (غایات و مقاصد) به چارچوب حقوقی (فولادوند، ۱۳۸۶: ۷۴).

در مثال بالا، از پراتز به جای دو نقطه استفاده شده است.

So gloom and melancholy will be driven from the earth: everybody will become joyous, harmonious and happy (Berlin, 2014: 19).

بدین سان غم و غصه و افسردگی از دنیا رانده خواهد شد، و همه شاد و هماهنگ و خوشبخت می‌شوند (فولادوند، ۱۳۸۶: ۸۱).

Sentiments, feelings are subjective, individual, vary from person to person, country to country, clime to clime: whereas reason alone is one in all men, and alone is always right (Berlin, 2014:29).

عواطف و احساسات ذهنی و فردی است و در اشخاص و کشورها و اقلیتهای مختلف تفاوت می‌کند. ولی آنچه در همه انسانها یکی است و همیشه درست می‌گوید، فقط عقل است. (فولادوند، ۱۳۸۶: ۹۹).

البته در بعضی موارد مترجم در جایی که دو نقطه در متن اصلی نبوده خود در ترجمه به کار برده است:

“There are, of course, a great many other questions, such as ‘Under what circumstances do people obey?’”(Berlin, 2014: 1).

طبعاً پرسش‌های دیگری هم وجود دارد، از این قبیل که: «مردم در چه اوضاع و احوالی اطاعت می‌کنند؟» (فولادوند، ۱۳۸۶: ۴۹)

ترجمه دیگری که در این مقاله بررسی شده است کتاب **بازمانده روز** ترجمه نجف دریابندری است. علائم سجاوندی به کار رفته در متن اصلی و ترجمه در جدول زیر آمده است:

عنوان کتاب	نقطه	نقطه ویرگول	خط تیره	دو نقطه
The Remains of the Day	۳۵۷۵	۱۷۵	۳۵۳	۲۲
بازمانده روز	۳۴۷۸	۲۹۷	۳۴۳	۹

همانطور که ملاحظه می‌کنید، دریا بندری، برخلاف انتظار، نسبت به متن اصلی از تعداد بیشتری نقطه ویرگول استفاده کرده است. این نکته را باید به حساب ذوق آقای دریا بندری گذاشت. ایشان ظاهراً همانقدر که از کاربرد دو نقطه ابا دارند به کاربرد نقطه ویرگول علاقه‌مندند. در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد توجه کنید.

As you might expect, I did not take Mr. Farraday's suggestion at all seriously that afternoon, regarding it as just another instance of an American gentleman's... (Ishiguro, 1990: 5)

همان‌طور که قطعاً انتظار دارید، بنده آن روز پیش‌نهاد آقای فارادی را ابداً جدی نگرفتم؛ گفتم این هم لابد از زمره همان موارد معروف عدم اطلاع آقایان آمریکایی است... (دریا بندری، ۱۳۷۵: ۱۹)

I should say that these errors have all been without exception quite trivial in themselves. Nevertheless, I think you will understand that to one not accustomed to committing such errors, this development was rather disturbing, and I did in fact begin to entertain all sorts of alarmist theories as to their cause (Ishiguro, 1990: 5).

البته گفته باشم، این خط‌ها به خودی خود اهمیتی ندارد؛ ولی یقیناً ملتفت هستید، برای کسی که عادت به ارتکاب این نوع تقصیرات نداشته باشد، وقوع همچو اموری خالی از تشویش خاطر نیست؛ این بود که خرد خرد انواع نگرانی در خصوص علت آنها به بنده دست داد (دریا بندری، ۱۳۷۵: ۱۹).

در مثال فوق نیز دریا بندری در دو مورد به جای نقطه و ویرگول، از نقطه ویرگول استفاده کرده است. چنان که گفته شد، دریا بندری دو نقطه را تقریباً نصف تعداد متن اصلی به کار برده است. وی به جای دو نقطه در پنج مورد از

«یعنی/یعنی اینک» به همراه ویرگول یا نقطه ویرگول استفاده کرده و در سه مورد هم از «و آن اینک»:

This whole question is very akin to the question that has caused much debate in our profession over the years: what is a 'great' butler? (Ishiguro, 1990: 20).

این مسأله خیلی شبیه است به آن مسأله‌ای که سالهاست در حرفه ما مورد بحث بوده است، یعنی این که پیش خدمت «بزرگ» چیست. (دریابندری، ۱۳۷۵: ۴۸)

Of course, this merely begs the further question: of what is 'dignity' comprised? (Ishiguro, 1990: 23).

البته این حرف سؤال دیگری را پیش می‌کشد، و آن این که «تشخص» به چه معنی است؟ (دریابندری، ۱۳۷۵: ۵۳)

Look at the likes of Mr. Marshall, say, or Mr. Lane - surely two of the greatest figures in our profession. (Ishiguro, 1990:137)

من باب مثال نگاه کنید به امثال آقای مارشال یا آقای لین که مسلماً دو نفر از بزرگ‌ترین افراد حرفه ما هستند. (دریابندری، ۱۳۷۵: ۲۴۵)

در مثال فوق، مترجم به جای خط تیره از ضمیر موصولی «که» استفاده کرده است.

نتیجه‌گیری:

بررسی ترجمه علائم سجاوندی در دو اثر ادبی و غیر ادبی نکته‌ای را مشخص کرد و آن این که دو مترجم مورد نظر ما از تمامی علائم سجاوندی موجود در متن اصلی استفاده کرده‌اند اما نه لزوماً آنگونه که نویسنده به کار برده است. مترجمان تازه کار ممکن است علائم سجاوندی متن اصلی را عیناً به ترجمه منتقل کنند ولی مترجمان صاحب سبک یا مترجمانی که در تألیف فارسی دارای اقتدار هستند، علائم را موبه‌مو منتقل نمی‌کنند چون یا تعریف و سنت کاربرد علائم سجاوندی در متن تألیفی فارسی متفاوت است و یا در خلال تغییرات نحوی که مترجم در جریان خلاق بازآفرینی متن انجام می‌دهد تغییراتی در ساختار جملات به وجود می‌آید که به ناچار الگوی نقطه گذاری در متن ترجمه نسبت به متن اصلی تغییر

می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد هرچه ترجمه به بازآفرینی نزدیکتر باشد الگوی نقطه گذاری در دو متن مبدأ و مقصد هم متفاوت تر می‌شود و برعکس، هرچه متن اصلی لغت به لغت یا ساختار به ساختار ترجمه می‌شود الگوی نقطه گذاری در دو متن مبدأ و مقصد به هم شبیه تر می‌شود.

منابع

- دریابندری، نجف. (۱۳۷۵). *بازمانده روز*. تهران: کارنامه.
- سمیعی کیلانی، احمد. (۱۳۷۷). *آیین نگارش*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فولادوند، عزت‌الله. (۱۳۸۶). *آزادی و خیانت به آزادی*. تهران: ماهی.
- یاحقی، محمدجعفر. و ناصحی، محمد مهدی. (۱۳۷۲). *راهنمای نگارش و ویرایش*. مشهد: آستان قدس رضوی.

Berlin, I. (2014). *Freedom and Its Betrayals*. USA: Princeton University Press.

Ishiguro, K. (1990). *The Remains of the Day*. G.B: T.J. Press.

Woolf, V. (1992). *To the Lighthouse*. Oxford: Oxford University Press.